

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی

سال شانزدهم، شماره‌ی دوم، تابستان ۱۴۰۲، پیاپی ۵۶، صص ۱-۲۴

DOI: 10.22099/JBA.2023.45047.4316

شگردهای شاملو در کاربرد تشبیه مرکب

زهره احمدی پور اناری*

چکیده

تشبیه مرکب از فاخرترین گونه‌های تشبیه است که تصویر کاملی از هیأت دو یا چند چیز را ارائه می‌کند. تشبیه مرکب از دوره‌های اول شعر فارسی همواره مورد توجه بوده و در شعر معاصر نیز جلوه‌ی خاصی یافته‌است. شاملو یکی از برجسته‌ترین شاعران معاصر است که شعر منثور (شعر سپید) با نام او رقم خورده و در موارد متعدد و با هنرنمایی از تشبیه مرکب بهره‌ی بسیار برده‌است. در این تحقیق که کتابخانه‌ای است و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، تشبیهات مرکب در اشعار شاملو بررسی می‌شود تا شگردهای هنری‌اش در ساختار تشبیه مرکب، نقش آرایه‌های بدیعی در کنار تشبیه مرکب و اغراض تشبیه مرکب معلوم شود. نتیجه‌ی تحقیق نشان داد که تعدد مشبه و مشبه‌به، مقدم آوردن مشبه‌به و مقید کردن تشبیه مرکب از ویژگی‌های ساختاری تشبیه مرکب در شعر شاملو است که از هریک از این ویژگی‌ها برای تقویت موسیقی شعر و نیز روشن کردن مفهوم و محتوای شعر استفاده شده‌است. اغراض تشبیه نیز در شعر شاملو قابل توجه است. با توجه به اینکه شعر شاملو شعری اجتماعی-انتقادی است و شاعر در بیشتر اشعارش لحنی اندرزگویانه و منتقدانه دارد، «تقیح و زشت جلوه دادن

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان ahmadypoor@yahoo.com

مشبه» و «استدلال برای بیان امکان مشبه» از اغراضی است که در تشبیهات مرکب او دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اغراض تشبیه، تشبیه مرکب، تعدد مشبه و مشبه‌به، شاملو.

۱. مقدمه

صورخیال شامل چهار مقوله‌ی تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه است که اساس خیال‌انگیزی شعر بر پایه‌ی همین صور چهارگانه قرار می‌گیرد و البته از میان این چهار پایه، تشبیه اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا «هسته‌ی اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است» (پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۲۱۴). تشبیه انواع و اقسامی دارد که از آن میان تشبیه مرکب جایگاه ویژه‌ای دارد. تولید تشبیه مرکب تازه خلاقیت خاصی می‌خواهد؛ زیرا شاعر باید نگاهی ژرف و گسترده داشته باشد تا به جای دیدن یک چیز و تشبیه آن به چیزی دیگر، تصویری جامع که حداقل متشکل از دو جزء باشد، ببیند و آن را به تصویری مشابه مانند کند. تشبیه مرکب در شعر شاعران گذشته و معاصر کاربرد داشته و در شعر معاصر رنگ‌وبوی تازه‌ای گرفته است. نمونه‌ی زیر که تشبیه مرکب از نوع تشبیه مقید به مرکب گرفته شده (رک. شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۱) از آن جمله است که ساختار آن تازه و کشف وجه‌شبه آن دشوار به نظر می‌رسد: زندگی در آن وقت، صفی از نور و عروسک بود (سپهری، ۱۳۸۹: ۲۷۱). شاملو از شاعران معاصر است که در کنار نیما یوشیج، اخوان ثالث، فروغ فرخزاد و سهراب سپهری از بزرگ‌ترین شاعران معاصر شمرده می‌شود. شاملو «ضد ابتذال‌ترین شاعر عصر است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۵۳۱). به عبارت دیگر او از نوآورترین شاعران صاحب‌سبک معاصر است که با کنار گذاشتن وزن عروضی، در سرودن شعر منثور یا شعر سپید به اوج رسید و چهره‌ی بی‌رقیب این عرصه شد. نوآوری‌های شاملو به قالب شعر محدود نشده است؛ بلکه در کاربرد صورخیال نیز ماهرانه عمل کرده، چنان‌که تشبیهات مرکب او نشان از مهارتش در بلاغت دارد که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود.

۱.۱. بیان مسئله

شاملو از شاعران صاحب سبک شعر معاصر است که کاربردهای بلاغی انواع صورخیال در شعرش چشمگیر است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های صور خیال در شعر شاملو، غیرتکراری بودن و تازگی آن‌هاست که خواننده را به تحسین وامی‌دارد. در این مقاله یکی از گونه‌های تشبیه، یعنی تشبیه مرکب در شعر شاملو بررسی می‌شود؛ بدین منظور ابتدا تمام تشبیهات مرکب در دیوان وی استخراج و سپس تشبیهات مرکب از نظر مشبه و مشبه‌به، کاربرد بلاغی و ادبی تشبیه و اغراض تشبیه بررسی شد.

۱.۲. پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی تشبیه پژوهش‌های بسیاری انجام شده؛ اما تحقیق در مورد تشبیه مرکب محدود به چهار مقاله‌ی زیر است:

اسکندری (۱۳۸۵)، در مقاله‌ی «نگاهی دوباره به تشبیه مرکب و مقید» بر این نکته تأکید می‌کند که در مبحث افراد و ترکیب و تقیید، به جای پرداختن به واقعیت تشبیه، ظاهر کلام معیار قضاوت قرار می‌گیرد و تشخیص‌های عجولانه ارائه می‌شود.

آقاحسینی و براتی (۱۳۸۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تشبیه مرکب در سبک عراقی»، تشبیه مرکب را در آثار غزل‌سرایان بزرگ و صاحب‌سبک عراقی بررسی کرده‌اند و ضمن ارائه‌ی آمار کمی و ذکر نمونه ابیاتی از ۱۲ شاعر معروف این سبک، به تحلیل آن پرداخته‌اند.

در مقاله‌ی «ساختار تشبیه مرکب در شعر منوچهری دامغانی و فرخی سیستانی» حکیم‌آذر (۱۳۹۰)، ساختارهای سه‌بیتی، دو‌بیتی و تک‌بیتی متضمن تشبیه مرکب در دیوان این دو شاعر بررسی شده است.

لامعی و دیگران (۱۳۹۹)، نیز در مقاله‌ی «مقایسه و تحلیل تشبیه و ساختار آن در اشعار فروغ و ابتهاج» نمونه‌هایی از تشبیه مرکب و گونه‌های آن (مرکب به مرکب، مفرد به مرکب و مرکب به مفرد) را در دیوان این دو شاعر معاصر بررسی کرده‌اند.

و بالأخره در پایان‌نامه‌ی تشبیه مرکب در بوستان سعدی (۱۳۹۲)، نویسنده ساختار تشبیه مرکب در بوستان سعدی را بررسی و چند ساختار از تشبیه مرکب را در آن معرفی کرده است: ۱. مرکب ساده؛ ۲. مرکب تقدیری؛ ۳. مرکب مفروق؛ ۴. مرکب با جزئی مشترک؛ ۵. مرکب جمع.

بررسی این پژوهش‌ها و پژوهش‌های مربوط درباره‌ی شاملو نشان می‌دهد که پژوهشگران بیشتر به بررسی استعاره و نماد و اسطوره در شعر شاملو پرداخته‌اند و تاکنون پژوهشی درباره‌ی تشبیه مرکب در آثار این شاعر انجام نشده است؛ از این رو در این مقاله تشبیهات مرکب شاملو بررسی می‌شود.

۲. بحث

شاملو شاعری تشبیه‌گراست که تجربه‌ی خود را مستقیم به صورت تشبیه بیان کرده و کمتر از استعاره استفاده کرده است. «مهم‌ترین خصیصه‌ای که در تشبیهات شعر شاملو جلب نظر می‌کند، تازگی آن‌هاست» (پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۲۱۵) که مربوط به دگرگونی کلی زندگی در عصر ما و تحول کلی در شالوده‌ی افکار و اعتقادات و جهان‌بینی مردم این عصر و نیز مربوط به تجربه‌ی شخصی شاعر و دقت نظر، سرشت‌مایه‌ی فرهنگی و تخیل نیرومند شاعر است (رک. همان: ۲۱۵). در این تحقیق مهم‌ترین ویژگی‌های تشبیه مرکب بررسی می‌شود.

۲. ۱. انسان، محور یکی از طرفین تشبیه

یکی از مواردی که در تحلیل تشبیه مدنظر قرار می‌گیرد، آن است که مشبه یا مشبه‌به در وصف چه کسی یا چه چیزی است. بسیاری از شاعران سبک خراسانی توجه خاصی به تشبیه مرکب داشته‌اند و این نوع تشبیهات در شعر آن‌ها برای وصف طبیعت به کار گرفته شده است. در سبک عراقی به ویژه در قالب غزل، موضوعات توصیفی از جمله توصیف طبیعت، اشیا، مسائل معنوی، معشوق و... بیشتر دیده می‌شود (رک. آقاحسینی و همکاران،

۱۳۸۷: ۱۰). نگاهی به تشبیه مرکب در شعر معاصر نشان می‌دهد که انسان حضور قابل توجهی دارد، چنان‌که در شعر سخنوری چون نیما به‌عنوان «پدر شعر نو» حضور انسان چشمگیر است: «که به مقصد نرسد هیچ‌کسی / همچو یک نامه به یک زندانی» (نیمایوشیج، ۱۳۳۴: ۲۰۵)؛ «من در این دهکده در بسته به روی / همچو بینایی سرگشته به شهر کوران / که اسفناکی او از همه سوست» (همان: ۲۰۷)؛ «شهر سنگین شده از حاملگی ست / همچو زندانی افسرده به زندان فروبسته دری» (همان: ۲۸۸)

با توجه به اینکه «شعر شاملو بیوگرافی اجتماعی ماست، در جهان شعر و نیز بیوگرافی خود اوست» و وی «شعر خود را در اختیار انسان گذارده است» و «مبلغ انسان است با تمام خصایصش در جهان شعر» (براهنی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۸۶۴) و «انسان، مبارزه، شاعر، عشق» محور زنجیره‌ی نگرش و گزینش شاملو است (رک. مختاری، ۱۳۷۸: ۲۷۶)؛ از این رو بیشتر تشبیهات مرکب در اشعار شاملو (مشبه، مشبه‌به یا هر دو طرف تشبیه) در وصف انسان است. جدول شماره‌ی ۱ نشان می‌دهد که مشبه بیشتر تشبیهات درباره‌ی شاعر یا معشوق شاعر یا خواننده‌ی شعر و به‌طور کلی انسان است.

۲.۲. تحرک و پویایی در تشبیهات مرکب شاملو

شعر گزارشگر احوال شاعر است. اگر ضمیر شاعر سرشار از تحرک و پویایی باشد، شعر او نیز شعری پر از تحرک و هیجان و پویایی خواهد بود. تشبیه از جمله صورخیالی است که تحرک بیشتری نسبت به استعاره دارد؛ زیرا تشبیه مستقیم توصیفی را ارائه می‌کند؛ اما چون استعاره از تشبیه ساخته می‌شود، یک درجه از مصداق توصیف دور می‌شود. یکی از نشانه‌های تحرک در تشبیه، افعال موجود در تشبیه است (رک. شفیع کدکنی، ۱۳۷۰: ۲۵۰-۲۵۵). در تشبیهات مرکب شاملو افعالی که بر حرکت دلالت دارند، به‌وفور دیده می‌شود. در جدول زیر حضور انسان در طرفین تشبیه و نیز افعالی که بر تحرک دلالت دارند (زیر آن خط کشیده شده) و جزئی از وجه‌شبه هستند، مشخص شده است.

جدول شماره‌ی ۱: حضور انسان و تحرک و پویایی در تشبیهات مرکب شاملو

وجه‌شبه	در‌مشبه‌به	در مشبه	مشبه‌به	مشبه
دلالت بر حرکت دارد	انسان حضور دارد	انسان حضور دارد	چون پدری که چشم به راه میلاد نخستین فرزند خویش است (شاملو، ۱۳۹۱: ۴۶۷)	تا نخستین خواننده‌ی هر سرود تازه باشی
✓	✓		انگشتی است که از قعر جهنم به خاطرهای اهریمن شاد اشارت می‌کند (همان: ۴۹۱)	شاخساران هر درختش
		✓	کوه با نخستین سنگ‌ها آغاز می‌شود (همان: ۴۹۶)	انسان با نخستین درد
✓	✓		چنان چون روحی که جسد را در پایان سفر (همان: ۵۰۰)	هر معنا قالب لفظ را وامی‌گذارد
✓	✓ ✓	✓	چنان چون سنگی که به دریاچه‌ای و بودا که به نیروانا در این هنگام دخترکی خردسال را ماند که عروسک محبوبش را تنگ در آغوش گرفته باشد (همان: ۵۱۲)	با لبانی متبسم به خوابی آرام فرومی‌رود
✓	✓	✓	چنان چون دریاچه‌ای که سنگی را و نیروانا که بودا را (همان)	انده سرپایش را دربرمی‌گیرد
✓		✓	چنان چون آفتاب‌گردانی که آفتاب را (همان: ۵۲۷)	شکفته می‌شدیم
✓			از آن‌گونه که تابوتی ست پنداشتیش بر هزاران دست (همان: ۵۶۱)	زورق به چالاکی بردریای تیره سُریدچالاک و سبک‌خیز (شاعر)
		✓	میوه بر شاخه شدم سنگ‌پاره در کف کودک (همان: ۶۹۳)	
		✓	چون پیامی دشوار که در لغتی (همان: ۷۰۴)	قناعت‌وار تکیده بود باریک و بلند
✓		✓ ✓ ✓	مرغی در بال‌هایش شکفت باغی در درختش (همان: ۷۰۶)	ما در عتاب تومی‌شکوفیم در شتابت ما در کتاب تو می‌شکوفیم

شگردهای شاملو در کاربرد تشبیه مرکب / زهره احمدی پور اناری ۷

✓	✓	✓	راست بدان گونه که عامی مردی شهیدی (همان: ۷۲۸)	من بودم و شدم
✓		✓	چونان خزه‌ای که بر صخره ناگزیر است (همان: ۷۶۳)	مردان ... عشق را ... بر پیکرهای خویش می‌آرند
✓		✓	چنان‌که تندی از شب (همان: ۸۳۷)	از تو عبور می‌کنم
		✓	مانند دانه‌ای به زندان گلخانه‌ای (همان: ۳۵)	قلب سرخ ستاره‌ای اش را محبوس داشتند
		✓	بسان تصویری که در چارچوبش (همان: ۵۰)	در زندان شعر محبوس می‌کنم خود را
✓		✓	که پشیمانی به گناهانش (همان: ۵۱)	نگاه امروز من بر آن (قاب عکس) چنان است
✓		✓	چون جغد می‌نشینم در زیج رنج کور (همان: ۹۹)	شب در کمین شعری گمنا و ناسرود
✓		✓	چون رقص آب بر سقف از انعکاس تابش خورشید (همان: ۱۳۸)	لرزید بر لبانش لبخندی
✓		✓	درخت با جنگل سخن می‌گوید علف با صحرا ستاره با کهکشان (همان: ۲۱۴)	من با تو سخن می‌گویم
✓		✓	به سان ابر که با طوفان به سان علف که با صحرا به سان باران که با دریا به سان پرند که با بهار به سان درخت که با جنگل (همان: ۲۱۵)	با تو سخن می‌گویم
		✓	کلمه‌ای در قالب تو باشم ای سرود دریاها! به سان مروارید یکی صدف (همان: ۲۳۸)	(شاعر)
✓		✓	به سان تصویر یک قطره باران که در آینه‌ی گریزان شط می‌گریزد (همان: ۲۵۲)	عشقم را بلع قلب تو می‌کنم
✓		✓	به حلزونی در به در می‌مانم که در زیروزبر رفت بی‌پایان شتابندگان دریا صدفی جسته است (همان: ۲۵۸)	(شاعر)

✓		✓	به سان قایقی که باد دریا ریسمانش را بگسلد (همان: ۲۵۹)	دل به دریای توفانی زده بودم
	✓	✓	که میان ابرهایی که در آسمان و انسان‌هایی که بر زمین سرگردانند (همان: ۲۶۲)	میان من و تو به همان اندازه فاصله هست
✓	✓	✓	و هر زن مروارید غلتان خود را به زندان صندوقش محبوس می‌دارد (همان: ۲۶۴)	و هرکس آنچه را دوست می‌دارد در بند می‌گذارد
✓	✓		چون مادری به مرگ پسر نالید (همان: ۲۳)	از برج فار، مرغک دریا
		✓	آید یکی جراحی خونین مرا به چشم کاندلر میان آن پیداست استخوان (همان: ۳۰)	لبان یار
		✓	چون زهره‌ای به تارک گرگ و میش چون گرم‌ساز امیدی در نغمه‌های من (همان: ۳۲)	واندر لجاج ظلمت این تابوت... چشمان زنده‌یی

جدول بالا نشان می‌دهد که در بیش از ۸۶ درصد از تشبیهات مرکب شاملو، انسان در طرفین یا یکی از طرف تشبیه حضور دارد. همچنین در بیش از نیمی از تشبیهات مرکب، فعلی که دلالت بر حرکت دارد دیده می‌شود که این نکته نشان‌پویایی و تحرک تشبیهات شاملو است.

۳.۲. ساختار تشبیه مرکب

ابتدا به ساختار تشبیهات مرکب شاملو از نظر تعدد مشبه و مشبه‌به پرداخته می‌شود.

۳.۲.۱. تعدد مشبه و مشبه‌به

در اشعار شاملو تشبیهات مرکب متعددی دیده می‌شود که برای یک مشبه، چند مشبه‌به ذکر شده است. در علم بیان آوردن چند مشبه‌به برای یک مشبه را «تشبیه جمع» می‌نامند (رک. شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۸) که نمونه‌های آن از شعر شاملو نقل می‌شود:

واندر لجاج ظلمت این تابوت / تابد به ناگزیر درخشان و تابناک / چشمان زنده‌ای / ۱. چون
زهره‌ای به تارک گرگ و میش / ۲. چون گرم‌ساز امیدی در نغمه‌های من! (شاملو، ۱۳۹۱: ۳۲)
با لبانی متبسم به خوابی آرام فرومی‌رود / ۱. چنان چون سنگی / که به دریاچه‌ای / ۲. بودا /
که به نیروانا (همان: ۵۱۲)

به نظر می‌رسد یکی از دلایل کاربرد فراوان تشبیه مرکب جمع، افزایش موسیقی شعر است؛ «شعر معماری موسیقایی زبان است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۲۹) و «در شعر، موسیقی فرمانروای اصلی است و معنی از موسیقی تبعیت می‌کند» (ایخن باوم به نقل از شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۴۲). یکی از راهکارهای شاعران برای نظام موسیقایی شعر منشور، «استفاده از تکرار واژه‌ها و ترکیبات در فواصل معین» و استفاده از «موازنه‌ها و تکرارها» است (رک. زرقانی، ۱۳۹۴: ۲۱۶). در مثال بالا ساختار نحوی (اسم + که + به + اسم) در دو مشبه به تکرار شده، در ضمن دو حرف «که» و «به» نیز از مقوله‌ی تکرار واژه است که در موسیقی شعر، مؤثر واقع شده است. افزون بر مسئله‌ی موسیقی شعر، شاعر برای روشن کردن وضعیت مشبه، از مشبه به دیگری نیز بهره برده. به عبارت دیگر شاعر ابتدا مشبه بهی را انتخاب کرده که حسی است؛ به خواب فرورفتن معشوق مانند افتادن «سنگ در دریاچه» است و با این مشبه به احتمال دارد که خواننده فقط ظاهر شباهت را در نظر بگیرد؛ پس شاعر مشبه بهی را از نوع غیرحسی انتخاب می‌کند تا منظور از این تشبیه روشن تر شود؛ به خواب فرورفتن معشوق، مانند فرورفتن «بودا به نیروانا» است؛ یعنی محو شدن. در ضمن وجه شبه در دو مشبه به متفاوت است؛ یعنی «در ارتباط با مشبه یک معنی و در ارتباط با مشبه به معنای دیگری دارد» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۲) و به قول بلاغیون وجه شبه دو گانه یا استخدام است. با توجه به آنچه نقل شد، یکی از اهداف شاعر برای تعدد مشبه به، روشن تر شدن معنای شعر است.

ذکر دو یا چند مشبه به در شعر شاعران دیگر نیز یافت می‌شود و نمونه‌ای از آن در بوستان سعدی نقل شده است (رک. بزی حسینی، ۱۳۹۲: ۹):

نپندارم ای در خزان کشته جو	که گندم ستانی به وقت درو
درخت زقوم ار به جان پروری	مپندار هرگز کزو بر خوری
رطب ناورد چوب خرزهره بار	چو تخم افگنی بر همان چشم دار

(سعدی، ۱۳۷۲: ۶۳)

ذکر دو یا سه مشبه‌به در آثار دیگران مشاهده می‌شود؛ اما شاملو گاه تعداد بیشتری مشبه‌به در تشبیه مرکب آورده است که بسیار چشمگیر و منحصر‌به‌فرد به نظر می‌رسد. به طور مثال: «ای دیریاخته با تو سخن می‌گویم / به‌سانِ ابر که با توفان / به‌سانِ علف که با صحرا / به‌سانِ باران که با دریا / به‌سانِ پرنده که با بهار / به‌سانِ درخت که با جنگل سخن می‌گوید (همان: ۲۱۵) پنج «مشبه‌به» برای مشبه ذکر شده است.

مشبه‌به‌ها عبارت‌اند از:

۱. به‌سانِ ابر که با توفان (سخن می‌گوید)؛
۲. به‌سانِ علف که با صحرا (سخن می‌گوید)؛
۳. به‌سانِ باران که با دریا (سخن می‌گوید)؛
۴. به‌سانِ پرنده که با بهار (سخن می‌گوید)؛
۵. به‌سانِ درخت که با جنگل سخن می‌گوید.

در مشبه‌به‌های بالا با ساختار نحوی یکسان (به‌سانِ + اسم + که + با + اسم)، تکرار واژه و همسانی ساختار جمله، موسیقی شعر را افزوده و این همان قرینه‌سازی است که آن را از ویژگی‌های شعر شاملو شمرده‌اند (اخوان ثالث، به نقل از جلالی پندری، ۱۳۹۸: ۱۵۰). مثال زیر نیز از آن جمله است. شاعر ابتدا سه مشبه‌به ذکر می‌کند:

مرغی در بال‌هایش شکفت / باغی در درختش / ما در عتاب تو می‌شکوفیم / در شتاب / ما
در کتاب تو می‌شکوفیم (همان: ۷۰۶)

قابل ذکر است که تشبیه بالا سه «مشبه» دارد: ۱. ما در عتاب تو می‌شکوفیم؛ ۲. [ما] در شتاب [می‌شکوفیم]؛ ۳. ما در کتاب تو می‌شکوفیم. این نکته هم از موارد نادر و از شگردهای شاملو است که تشبیه مرکبی با داشتن سه «مشبه» و سه «مشبه‌به»، هم تشبیه جمع است و هم تشبیه تسویه و البته این تشبیه از نوع ملفوف نیست؛ زیرا مشبه‌ها و مشبه‌به‌ها یک‌به‌یک با هم ارتباط ندارند و وجه‌شبه میان طرفین تشبیه فقط یک چیز است. نکته‌ی دیگر اینکه شاعر در صورخیال به جنبه‌ی لفظی و موسیقایی شعر توجه کافی دارد و «عتاب»، «شتاب» و «کتاب» را بر همین اساس انتخاب کرده و بدین ترتیب «لحنی را

که از همخوانی و هماهنگی کلمات پدید می‌آورد، جاگزین وزن» کرده است (رک. شمس لنگرودی، ۱۳۷۰، ج ۴: ۳۳۲).

پرنده با بال‌هایش به اوج می‌رسد، باغ با درختانش به اوج رویش می‌رسد و شاعر با عتاب و شتاب و کتاب معشوق. البته مشبه هنوز مبهم است و از این رو تشبیه از گونه‌ی تشبیه بعید است. چطور شاعر با عتاب و شتاب و کتاب معشوق شکوفا می‌شود؟ عتاب و شتاب معشوق باعث ارتقای شاعر می‌شود؛ هرچه معشوق بیشتر عتاب و شتاب کند، عاشق هم بیشتر تلاش می‌کند تا به او نزدیک شود؛ پس این باعث پیشرفت عاشق می‌شود؛ اما کتاب معشوق چیست که سبب اوج‌گیری شاعر می‌شود؟ آیا کتاب استعاره از وجود شگفت‌انگیز معشوق است؟

در شعر زیر نیز دو مشبه‌به ذکر شده است:

۱. میوه بر شاخه شدم / ۲. سنگ‌پاره در کف کودک / طلسم معجزتی / مگر پناه دهد از گزند خویشتم / چنین که / دست تطاول به خود گشاده منم (همان: ۶۹۳)

در مثال بالا شاعر خود را به «میوه بر شاخه» و «سنگ‌پاره در کف کودک» تشبیه کرده است. اگر شاعر به ذکر یک مشبه‌به اکتفا می‌کرد و فقط «میوه بر شاخه شدم» را ذکر می‌کرد، مخاطب متوجه وجه‌شبه تشبیه نمی‌شد؛ زیرا برای این عبارت وجه‌شبه‌های چندی می‌توان در نظر گرفت؛ برای نمونه سودمند و در دسترس بودن یا به جلوه درآمدن و...، اما با افزودن یک مشبه‌به دیگر، یعنی «سنگ‌پاره در کف کودک»، مقصود شاعر و وجه‌شبه، به‌روشنی آشکار شده و البته باز شاعر برای آشکارتر شدن وجه‌شبه، با عبارت «دست تطاول به خود گشاده» به وجه‌شبه تشبیه اشاره کرده. وجه‌شبه این تشبیه عبارت است از: «قرار داشتن چیزی در موقعیتی که امکان تطاول فراهم باشد.» بنابراین تعدد مشبه‌به در تشبیهات مرکب، هم دلیل موسیقایی دارد چنان‌که شاعر با ذکر دو یا چند مشبه‌به که ساختار نحوی مشترکی هم دارند و گونه‌هایی از تکرار در آن مشاهده می‌شود بر موسیقی شعر افزوده است و هم دلیل محتوایی و معنایی دارد و شاعر با ذکر دو یا چند مشبه‌به، بر روشن کردن مفهوم شعر و آشکار ساختن وجه‌شبه کمک کرده است.

در مثال زیر شاملو ابتدا سه مشبه‌به برای خود آورده و رد کرده و سپس مشبه‌به دیگری که آن را برتر می‌دانسته، آورده است.

من بودم / و شدم / نه زان گونه که غنچه‌ای / گلی / یا ریشه‌ای / که جوانه‌ای / یا یکی دانه / که جنگلی / راست بدان گونه / که عامی مردی / شهیدی / تا آسمان بر او نماز برَد (شاملو، ۱۳۹۱: ۷۲۸)

تشبیه بالا از نوع تشبیه تفضیل است. تشبیه تفضیل را آن دانسته‌اند: «نخست مشبه را به چیزی تشبیه کنند و سپس از گفته‌ی خود عدول کرده، مشبه را بر مشبه‌به ترجیح دهند» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۵۰). همچنین در تعریف تشبیه تفضیل آمده است: «گاهی شاعر بر تشبیه‌ی که ساخته قانع نیست و به دنبال تصویری برتر و همانندی بیشتری است» (تجلیل، ۱۳۹۷: ۴۶) شاعر تحوّل و ارتقای از بودن تا شدن را به چند چیز تشبیه می‌کند:

۱. تبدیل غنچه به گل؛ ۲. تبدیل ریشه به جوانه؛ ۳. تبدیل دانه به جنگل.

سپس همه را رد می‌کند و می‌گوید ارتقای «از بودن تا شدن» بسیار بالاتر از این سه مورد است؛ این ارتقا مانند ارتقای از عامی بودن تا شهید شدن است؛ بدین ترتیب در این عبارت تشبیه تفضیل البته با کاربردی تازه رخ می‌نماید.

تعدد مشبه نیز در تشبیهات مرکب شاملو دیده می‌شود. تشبیه زیر از آن جمله است: تصویرم را در قابش محبوس کرده‌ام / و نامم را در شعرم / و پایم را در زنجیر زنم / و فردایم را در خویشتن فرزندم / و دلم را در چنگ شما (همان: ۵۳)

مثال بالا شامل پنج تصویر مرکب است و هر تصویر از دو جزء تشکیل شده:

۱. تصویرم را در قابش محبوس کرده‌ام؛

۲. و نامم را در شعرم (محبوس کرده‌ام)؛

۳. و پایم را در زنجیر زنم (محبوس کرده‌ام)؛

۴. و فردایم را در خویشتن فرزندم (محبوس کرده‌ام)؛

۵. و دلم را در چنگ شما (محبوس کرده‌ام).

شاید در نگاه اول به نظر نیاید که این پنج جمله تشبیه است؛ اما با دقت بیشتر معلوم می‌شود این جملات تشبیه مضمیر هستند. جمله‌ی اول تصویری از نوع حسی است که با حس بینایی درک می‌شود و چهار جمله‌ی بعدی عباراتی از نوع غیرحسی است که با عقل انسانی درک می‌شود. جمله‌ی اول مشبهه و چهار جمله‌ی بعد مشبه است؛ بنابراین تشبیه از نوع عقلی به حسی است که «رایج‌ترین نوع تشبیه است؛ زیرا غرض از تشبیه تقریر و توضیح حال مشبه در ذهن خواننده است و مشبه عقلی به کمک مشبهه حسی به خوبی در ذهن مجسم و تبیین می‌شود» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۷). شاعر مشبهه را مقدم و چهار مشبه را بعد از آن ذکر کرده است.

۲.۳.۲. تقدم مشبه به

به‌طور معمول مشبه قبل از مشبهه می‌آید و البته مقدم شدن مشبهه در شعر، به سبب محدودیت‌های وزن و قافیه معمول است؛ اما در شعر مثنوی شاملو که چنین ضرورتی هم وجود ندارد، مقدم شدن مشبهه بسیار قابل توجه است. تشبیه مرکب زیر از آن جمله است: «کوه با نخستین سنگ‌ها آغاز می‌شود/ و انسان با نخستین درد» (شاملو، ۱۳۹۱: ۴۹۶)

در عبارت زیر سه مشبهه به مقدم آمده و مشبه در آخر ذکر شده. تشبیه زیر تشبیه مرکب است و به دلیل داشتن چند مشبهه، تشبیه جمع محسوب می‌شود و ساختار تشبیه، مضمیر به نظر می‌رسد:

۱. درخت با جنگل سخن می‌گوید / ۲. علف با صحرا / ۳. ستاره با کهکشان / و من با تو سخن می‌گویم (همان: ۲۱۴)

درواقع موخر آمدن مشبه، در این دو مثال کارکردی بلاغی دارد، چنانچه در تشبیه بالا، مشبه در ابتدا می‌آید، بدین صورت: «من با تو سخن می‌گویم / درخت با جنگل سخن می‌گوید / علف با صحرا / ستاره با کهکشان»

تشبیه به نظر نمی‌رسید و فقط چهار جمله‌ی خبری بود که به سبب معنی با هم پیوند محکمی دارند؛ اما شاعر با مقدم آوردن مشبهه، ابتدا ذهن مخاطب را آماده کرده؛ زیرا این سه مشبهه برای ذهن بسیار بدیهی و منطقی است؛ درخت با جنگل سخن می‌گوید؛

زیرا درخت جزئی از جنگل است. علف با صحرا سخن می‌گوید؛ زیرا علف جزئی از صحرا است. ستاره با کهکشان سخن می‌گوید؛ زیرا ستاره جزئی از کهکشان است. ذهن مخاطب که آماده‌ی پذیرش شد، شاعر با آوردن یک «و» عطف، جمله‌ی آخر را که مشبه است، ذکر می‌کند. «من با تو سخن می‌گویم؛ زیرا من نیز جزئی از تو هستم و ارتباط من با تو، ارتباط جزء با کل است. همین «و» عطف است که موقعیت جمله‌ی آخر را متفاوت از سه جمله‌ی قبل ساخته؛ زیرا این جمله مشبه است و سه جمله‌ی قبل مشبه‌به. درواقع «و» معنای تأکید دارد: «و من نیز با تو سخن می‌گویم.»

۲.۳.۳. مقید کردن تشبیه مرکب

ویژگی دیگری که در ساختار تشبیهات مرکب شاملو دیده می‌شود، مقید کردن تشبیه است که سبب غنای موسیقی شعر و نیز تکمیل معنا و مفهوم شعری می‌شود. تشبیه را به اعتباری به مفرد و مقید و مرکب تقسیم می‌کنند. تشبیه مفرد: «تصور و تصویر یک هیئت و یک چیز است». تشبیه مقید: «تصویر و تصور مفردی است که مقید به قیدی باشد» و تشبیه مرکب: «هیأت منتزاع از چند چیز است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۰). در تقسیم‌بندی مذکور همه‌ی تشبیهات به سه دسته تقسیم شده‌اند: مفرد و مقید و مرکب. در اینجا با توجه به اینکه نگارنده فقط به بررسی تشبیهات مرکب پرداخته؛ بنابراین تشبیه مقید نه به‌عنوان یکی از انواع سه‌گانه، بلکه به‌عنوان تشبیهات مرکبی که با صفت و مضاف‌الیه، قید یا متممی همراه است، در نظر گرفته شده. به‌عبارت‌دیگر نگارنده به این نتیجه رسیده که شاملو برای تقویت بعد موسیقایی و معنایی شعر خود، در موارد متعدد، طرفین تشبیه یا یکی از طرفین تشبیه را با صفت یا مضاف‌الیه یا متممی مقید کرده است. در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از آن پرداخته می‌شود.

هر معنا قالب لفظ را وامی‌گذارد/ چنان چون روحی / که جسد را در پایان سفر (شاملو، ۱۳۹۱: ۵۰۰)

من خود از این تیره‌خاک رسته بودم / چون پونه‌ی خودرویی / که بی‌دخالت جالیزبان / از رطوبتِ جوباره‌ای (همان: ۶۴۸)

گاهی همین قیدها هستند که تشبیه را آشکارتر کرده‌اند. در شعر زیر شاعر «برق هر سکه بر تسمه‌بند قرابین» را به «ستاره‌ای بالای خرمنی» تشبیه کرده است: «بر تسمه‌بند قرابینش / برق هر سکه / ستاره‌ای / بالای خرمنی / در شب بی‌نسیم» (همان: ۷۸۹)

و سپس با متمم قیدی «در شب بی‌نسیم» منظور از تشبیه را روشن کرده؛ خرمن نیاز به باد و نسیمی دارد تا کاه آن جدا شود، چنان‌که مولانا گفته است:

ما همچو خرمن ریخته، گندم به کاه آمیخته
هین ای نسیم بادِ جان، که از گندم کن جدا
(مولانا)

بنابراین شاعر با مقید کردن تشبیه با متمم قیدی «در شب بی‌نسیم» مقصود خود را نشان داده و معنای کلام را آشکار کرده است:

در شعر زیر شاعر لبخند روی لبان محکوم به اعدام را به رقص آب بر خورشید تشبیه کرده؛ اما این نکته را که چطور آب بر سقف می‌رقصد با ذکر متمم قیدی «از انعکاس تابش خورشید» معلوم کرده است: «لرزید بر لبانش لبخندی / چون رقص آب بر سقف / از انعکاس تابش خورشید» (شاملو، ۱۳۹۱: ۱۳۸)

منظور تشبیه بالا چندان آشکار نیست؛ زیرا تشبیه از نوع بعید و غریب است. تشبیهات غریب، تشبیهاتی نو هستند: «حاصل ذهن خلاق شاعران و مبین نوآوری ایشان است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۵). در شعر بالا منظور آن است که «لرزش لبخند بر لب محکوم، مثل رقص آب بر سقف است که از هر واقعیتی عاری است» (پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۲۱۶). تشبیه مرکب در دیوان شاملو در موارد متعدد مقید شده که یکی از دلایل آن مربوط به تازگی و دشواری تشبیهات است که شاعر را به ذکر قیدی برای توضیح بیشتر تشبیه واداشته.

۲.۴. تقویت تشبیه مرکب با کنایه و حس آمیزی

یکی از ویژگی‌های تشبیه مرکب در شعر شاملو آن است که شاعر سعی کرده تا حد امکان تشبیهات را هنری و برجسته کند؛ از این رو برخی تشبیهات مرکب او آراسته به آرایه‌ای بدیعی از جمله کنایه و حس آمیزی است که با آن غنای بلاغی تشبیه افزایش یافته.

۲.۴.۱. کنایه

کنایه در اصطلاح آن است: «دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند؛ پس گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و به کار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد» (همایی، ۱۳۸۸: ۲۵۶). در شعر زیر «دل به دریای توفانی زده بودم» مشبه است و دو معنای نزدیک و دور دارد: ۱. دل را به دریا زدن؛ ۲. جرئت داشتن و بی‌پروا کاری را انجام دادن. جالب آن است که معنای نزدیک کنایه که کمتر به ذهن می‌آید، «مشبه» قرار گرفته است و شاعر آن را به قایقی که ریسمانش گسسته شده و به دریا می‌رود، تشبیه کرده است: «و سرانجام در شبی تیره، به سان قایقی که باد دریا ریسمانش را بگسلد، دل به دریای توفانی زده بودم» (شاملو، ۱۳۹۱: ۲۵۹) و در شعر زیر «دربرمی‌گیرد» که جزئی از مشبه و مشبه‌به است، دو معنای نزدیک و دور دارد: ۱. در آغوش گرفتن؛ ۲. فراگرفتن: «اندوه / سراپایش را دربرمی‌گیرد / چنان چون دریاچه‌ای / که سنگی را / و نیروانا / که بودا را» (همان: ۵۱۲)

۲.۴.۲. حس آمیزی

آرایه‌ی بدیعی حس آمیزی در کنار تشبیهات مرکب بسیار دیده می‌شود. حس آمیزی آن است: «تعبیرات و لغات مربوط به یک حس به حس دیگر انتقال» داده شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۲۷۱). شاملو در تشبیهات مرکب گاه میان مشبه و مشبه‌به رابطه‌ی حس آمیزی وجود دارد، چنان‌که در شعر زیر «مشبه» از نوع صداست که با حس شنوایی دریافت می‌شود و «مشبه‌به» تصویری است که با حس بینایی درک می‌شود:

در غریوِ سنگین ماشین‌ها و اختلاطِ اذان و جاز / آواز قمریِ کوچکی را / شنیدم / چنان‌که از پس پرده‌ای آمیزه‌ای ابر و دود / تابشِ تک ستاره‌ای (شاملو، ۱۳۹۱: ۶۹۹)

مشبه: آواز قمری در میان صدای ماشین‌ها و صدای اذان و صدای جاز (با حس شنوایی درک می‌شود)؛

مشبه‌به: تابش ستاره‌ای در میان پرده‌ی ابر و دود (با حس بینایی درک می‌شود)؛
وجه‌شبه: نامشخص بودن چیزی در میان ازدحام چیزهایی از همان جنس.

پورنامداریان با ذکر مثال بالا چنین برداشت کرده: «این گونه تشبیهات یا تصویرها به نظر می‌رسد بیش از آنکه ناشی از دقت در خصوصیات و صفات اشیا و جستجوی توأم با تأمل شباهت‌ها باشد، حاصل شهودی ناگهانی است و استغراق در احوال شاعرانه و تمرکز مجذوبانه‌ی همه‌ی نیروهای ذهنی بر اندیشه و عاطفه که شاعر را از خودآگاهی عادی و طبیعی ربوده است» (پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۲۳۷). چنان‌که ملاحظه می‌شود، شاعر با استفاده از حس‌آمیزی، زیبایی و برجستگی تشبیه را دوچندان کرده است. در عبارت شعری زیر نیز حس‌آمیزی دیده می‌شود:

آسمانی از فیروزه‌ی نیشابور / با رگه‌های سبز شاخساران / همچون فریادِ واژگون جنگلی /
در دریاچه‌ای / آزاد و رها / همچون آینه‌ای / که تکثیرت می‌کند (همان: ۸۰۹)

مشبه: آسمانی از فیروزه‌ی نیشابور / با رگه‌های سبز شاخساران (با حس بینایی درک می‌شود)؛

مشبه‌به: همچون فریادِ واژگون جنگلی / در دریاچه‌ای (با حس شنوایی و بینایی درک می‌شود).

ای سرود دریاها! / بگذار در ساحلِ خشمناکِ غریو تو موجی زخم / و به‌سانِ مرواریدِ
یکی صدف / کلمه‌ای در قالب تو باشم / ای سرودِ دریاها! (همان: ۲۳۸)

مشبه: کلمه‌ای در قالب سرود (مربوط به شنوایی است)؛
مشبه‌به: مروارید در صدف (مربوط به بینایی است)؛
وجه‌شبه: قرار گرفتن چیزی با ارزش در جایگاهی شایسته.

در شعر زیر دو مقوله‌ی حسی و غیرحسی با یکدیگر درآمیخته‌اند:
«قناعت‌وار / تکیده بود / باریک و بلند / چون پیامی دشوار / که در لغتی» (همان: ۷۰۴)

۲.۵. اغراض تشبیه مرکب در شعر شاملو

برای تشبیه اغراض چندی برشمرده‌اند، از جمله بیان امکان مشبه، بیان حال مشبه، بیان مقدار حال مشبه در کمی و زیادی یا قوت و ضعف، بیان شگفتی مشبه، تحسین و تعظیم

مشبه، تقبیح و زشت جلوه دادن مشبه (رک. علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۱۱-۱۱۴). بیشتر شاعران از تشبیه برای بیان حال مشبه استفاده می‌کنند؛ برای نمونه تشبیهات مرکب در اشعار نیما یوشیج و فروغ فرخزاد به هدف بیان حال مشبه سروده شده است؛ ولی در تشبیهات مرکب شاملو اغراض متنوعی دیده می‌شود که بدان می‌پردازیم.

۲. ۵. ۱. بیان حال مشبه

پرکاربردترین غرض تشبیهات مرکب شاملو، همچون دیگر شاعران بیان حال مشبه است که به ذکر دو نمونه بسنده می‌شود:

و به‌سان تصویر یک قطره باران / که در آینه‌ی گریزان شط می‌گریزد / عشقم را بلع قلب تو می‌کنم (شاملو، ۱۳۹۱: ۲۵۲)

و نگاه امروز من بر آن چنان است / که پشیمانی / به گناهانش (همان: ۵۱)

۲. ۵. ۲. تقبیح و زشت جلوه دادن مشبه

با توجه به آنکه شعر شاملو، شعری اجتماعی و انتقادی نیز هست و منتقد احساس نارضایتی خود را بیان می‌کند؛ پس تقبیح و زشت جلوه دادن مشبه در اشعار او دیده می‌شود. نارضایتی و نومیدی شاعر است که میدان و کوچه‌ها را به‌شکل هشت‌پای پا دراز کرده و شاخه‌های درخت را همانند انگشتی جهنمی و زورق را به‌صورت تابوت تصویر می‌کند:

«میدان را دیدم و کوچه‌ها را / که هشت‌پایی را مانده بود از هر جانبی پایی به خستگی رها کرده / به گودابی تیره» (همان: ۵۷۸)

«که شاخساران هر درختش / انگشتی است که از قعر جهنم / به خاطرهای اهریمن‌شاد / اشارت می‌کند» (همان: ۴۹۱)

«و زورق / به چالاکی / بر دریای تیره سرید / چالاک و سبک‌خیز / از آن‌گونه / که تابوتی‌ست / پنداشتیش / بر هزاران دست» (همان: ۵۶۱)

در مثال زیر نیز شاعر تشبیه شاعران را که دندان و لب یار را به رشته‌ی لؤلؤ بر گل انار تشبیه می‌کنند، مردود شمرده و مشبه‌به دیگری که آن را بهتر و واقعی‌تر می‌دانسته،

ذکر کرده است؛ «استخوانی در میان جراحت»: «هی! شاعر! هی! / سرخی، سرخی ست: / لب‌ها و زخم‌ها! / لیکن لبان یار تو را خنده هر زمان / دندان‌نما کند / زان پیش‌تر که ببند آن را / چشم علیل تو / چون «رشته‌ای ز لولوی تر، بر گل انار» / آید یکی جراحتِ خونین مرا به چشم / کاندر میان آن / پیداست استخوان» (همان: ۳۰)

نکته‌ای که باعث تازگی تشبیه تفضیل در این عبارت شده، آن است که شاعر به دنبال تصویری تازه و غریب نیست، او به دنبال ثبت تصویری مطابق با دیدگاه منتقدانه خود است.

۲. ۵. ۳. استدلال برای بیان امکان مشبّه

شاملو شعر خود را عرصه‌ای برای بیان حرف‌های روشنگرانه می‌داند؛ از این رو در بیان آنچه در ضمیر خود است تلاش می‌کند و گاه می‌پندارد که مخاطب، حرف‌های او را به سختی خواهد پذیرفت یا نخواهد پذیرفت؛ بنابراین استدلال‌گونه سخن خود را پیش می‌برد و گاه از تشبیهات مرکب برای اثبات استدلال خود بهره می‌برد تا امکان وجود مشبّه را بیان کند؛ برای نمونه شاملو ابتدا می‌گوید: «انسان با نخستین درد» آغاز می‌شود؛ اما امکان دارد مخاطب این سخن را نپذیرد یا درنیابد؛ پس برای امکان مشبّه، مشبّه‌بهی می‌آورد تا مخاطب قانع شود: کوه با نخستین سنگ‌ها آغاز می‌شود / و انسان با نخستین درد (همان: ۴۹۶)

یا وقتی شاعر می‌گوید: مرغی در بال‌هایش شکفت / ... ما در عتاب تو می‌شکوفیم (همان: ۷۰۶)

مخاطب از شنیدن این جمله که شاعر می‌گوید: «ما در عتاب تو می‌شکوفیم» احتمالاً قانع نمی‌شود. چطور شخصی با عتاب دیگری شکفته می‌شود؟! «عتاب» سرسختی و سرزنش و پرخاش است، چطور کسی با «عتاب» شکفته می‌شود؟! بنابراین شاعر مشبّه‌بهی را ارائه می‌کند: همان‌گونه که «مرغی در بال‌هایش شکفت»، پرنده با بال زدن و پرواز کردن که البته با سختی کشیدن همراه است، به اوج و ارتقا می‌رسد؛ پس انسان هم می‌تواند با عتاب آنکه دوستش دارد شکفته شود و به اوج برسد. پرنده بدون بال و پرواز

دیگر پرنده نیست و عاشق و مرید نیز بدون عتاب مراد خود، عاشق واقعی نخواهد بود و البته مقدم آوردن مشبه‌به نیز به دلیل اقناع بیشتر مخاطب است.

۲.۵.۴. بسامد کاربرد تشبیه مرکب در آثار شاملو

معمولاً در شعر شاعران، از میان گونه‌های تشبیه، تشبیه مرکب به‌وفور دیده نمی‌شود و گاه ممکن است دفتر شعری تشبیه مرکب نداشته باشد که دلیل آن می‌تواند ساختار پیچیده و دقیق آن باشد؛ اما شاملو در اشعارش از تشبیه مرکب بهره‌ی کافی برده است. در جدول زیر تعداد تشبیهات مرکب در مجموعه‌های مشهورتر شعر شاملو دیده می‌شود:

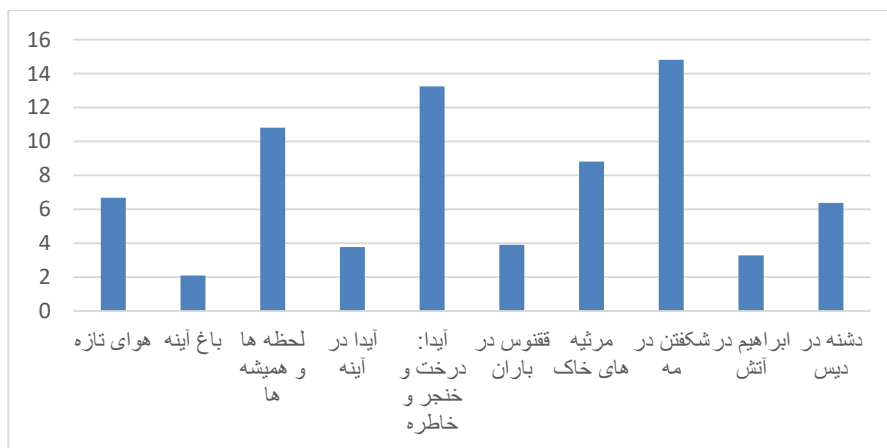
جدول شماره‌ی ۲: بسامد تشبیه مرکب در اشعار شاملو

دفتر شعر	هوای تازه	باغ آینه	لحظه‌ها و همیشه‌ها	آیدا / آیدا:	ققنوس	مرثیه‌های خاک	شکفتن	ابراهیم	دشنه
تعداد	۱۵	۲	۴	۲	۱۱	۳	۴	۳	۳

جدول بالا نشان می‌دهد که در تمام دفترهای شعر شاملو از «هوای تازه» تا «دشنه در دیس» تشبیه مرکب به‌کار رفته است. تشبیهات مرکب در این مقاله، از کتاب احمد شاملو؛ مجموعه آثار استخراج شده است. با توجه به یکسان بودن اندازه‌ی خط و صفحات و حاشیه‌ی صفحات، نگارنده تعداد تشبیهات مرکب در هر دفتر شعر را با توجه به حجم آن دفتر (تعداد صفحات) محاسبه کرده است تا معلوم شود سیر کاربرد تشبیه مرکب در شعر شاملو سیر صعودی دارد یا نزولی؟ نمودار زیر نشان می‌دهد که کاربرد تشبیه مرکب در آثار موفق‌تر شاملو قابل توجه است؛ چنان‌که در «طرفه‌ترین کتاب وی» (دستغیب، ۱۳۷۳: ۷۷)؛ یعنی شکفتن در مه چهار تشبیه مرکب در ۲۷ صفحه به‌کار رفته است (۱۴/۸۱٪) و در مجموعه‌ی آیدا: درخت و خنجر و خاطره یازده تشبیه مرکب در ۸۳ صفحه دیده می‌شود (۱۳/۲۵٪). در هوای تازه نیز پانزده تشبیه مرکب در ۲۲۴ صفحه به‌کار رفته است؛ اما در مجموعه‌ی باغ آینه کمترین تشبیه مرکب وجود دارد. در این مجموعه‌ی ۹۵ صفحه‌ای فقط دو تشبیه به‌کار رفته است (۲/۱٪). برخی بر این باورند که باغ آینه نتیجه‌ی گفته‌های

اجتماعی و شعری و ادبی شاعر است در دوران هوای تازه و پس از آن دوران و معلوم است که نتیجه‌ی کار باید از خود کار کوتاه‌تر، فشرده‌تر و چکیده‌تر باشد» (براهنی، ۱۳۸۰، ج ۲). شاید کاربرد کمتر تشبیه مرکب در این مجموعه به دلیل فشرده‌گی آن باشد که شاعر کمتر در پی توصیف و تشبیه رفته است؛ اما نکته‌ی مهم این است که در هوای تازه که اولین مجموعه‌ی شعر شاملو در دوران شکوفایی اوست و همه‌ی مجموعه‌های بعدی شعرش، تشبیه مرکب به کار گرفته شده است. کاربرد تشبیه مرکب در شعر شاملو یکی از هنرنمایی شاعر در همه‌ی اشعارش است و البته در مجموعه‌های موفق کاربرد بیشتری هم یافته است و با توجه به مجموعه‌شعرهای موفق‌تر، کاربرد آن سیر صعودی دارد؛ زیرا گرچه کاربرد تشبیه مرکب در هوای تازه و لحظه‌ها و همیشه‌ها قابل توجه است، اما در آیداً: درخت و خنجر و خاطره و شکفتن در مه بیشتر می‌شود. نمودار زیر درصد کاربرد تشبیه مرکب در مجموعه‌شعرهای شاملو را نشان می‌دهد:

نمودار شماره‌ی ۱: بسامد تشبیه مرکب در اشعار شاملو



گذشته از کمیت، کیفیت هنری و برجستگی تشبیهات مرکب نیز در تمام مجموعه‌شعرهای شاملو چشمگیر است، چنان‌که در مجموعه‌ی هوای تازه که اولین مجموعه‌ی شعری شاملو در دوران شکوفایی اوست، تشبیه مرکبی مضمّر و تازه چون

تشبیه زیر آمده است: «به خاطر پرستویی درباد، هنگامی که تو هلهله می‌کنی / به خاطر شب‌نمی بر برگ، هنگامی که تو خفته‌ای» (شاملو، ۱۳۹۱: ۲۳۳)

به‌هرصورت تشبیهات مرکب شاملو در همه‌ی دفترهای شعر او چنان‌که نمونه‌هایی از آن در مقاله نقل شد، از نظر تازگی و شگفت‌انگیزی و دقت قابل توجه است.

۳. نتیجه‌گیری

شاملو در مقایسه با شاعران معاصر چون نیمایوشیج و فروغ فرخزاد از تشبیه مرکب بیشتر بهره برده است. با توجه به اینکه «انسان» از محورهای فکری شعر شاملو است، در اغلب تشبیهات مرکبش حضور دارد و در طرفین تشبیه یا یکی از طرفین تشبیه دیده می‌شود. تشبیهات مرکب شاملو تحرک و پویایی خاصی دارد و تصویری که در مشبه یا مشبه‌به ارائه می‌کند، تصویری متحرک است و از نشانه‌های آن این است که افعالی که دلالت بر حرکت دارند در آن دیده می‌شود.

ساختار تشبیه مرکب در شعر شاملو قابل توجه است؛ تعدد مشبه و مشبه‌به جلوه‌ی خاصی در شعرش دارد. در مواردی تشبیه مرکب از چند مشبه یا چند مشبه‌به تشکیل شده و ساختار نحوی آن مشبه یا مشبه‌به به‌گونه‌ای است که لحن و موسیقی شعر را تحت تأثیر قرار داده و تکرارهای موجود در آن بر موسیقی شعر افزوده و افزون بر آن در روشن کردن وجه‌شبه و معنای شعر نقش بسزایی دارد. «تقدیم مشبه‌به» نیز برجستگی خاصی به تشبیهات مرکب داده است. در برخی از تشبیهات مرکب، شاملو قیدی چون متمم یا صفت و مضاف‌الیهی افزوده و تشبیه مقید شده تا مضمون و معنی آن تعبیر بهتر معلوم شود. برخی تشبیهات مرکب شاملو با کنایه و حس‌آمیزی تقویت شده است.

بررسی اغراض تشبیه در تشبیهات مرکب شاملو نشان داد که تنوعی در این زمینه وجود دارد. اغلب شاعران تشبیه را برای بیان حال مشبه استفاده می‌کنند؛ اما با توجه به آنکه مضامین اجتماعی و انتقادی در شعر شاملو غلبه دارد، «تقییح و زشت جلوه دادن مشبه» و نیز «استدلال برای بیان امکان مشبه» از اغراض تشبیهات مرکب شاملو است.

منابع

- آقاحسینی و همکاران. (۱۳۸۷). «تشبیه مرکب در غزل سبک عراقی». پژوهشنامه‌ی ادب غنایی، سال ۶، شماره‌ی ۱۱، صص ۵-۳۶.
- اسکندری، بهاء‌الدین. (۱۳۸۵). «نگاهی دوباره به تشبیه مرکب و مقید». مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۴۷، صص ۸۳-۹۷.
- براهنی، رضا. (۱۳۸۰). طلا در مس (در شعر و شاعری). ج ۲، تهران: زریاب.
- بزی‌حسینی، محسن. (۱۳۹۲). تشبیه مرکب در بوستان سعدی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۹۰). سفر در مه. تأملی در شعر احمد شاملو، تهران: سخن.
- تجلیل، جلیل. (۱۳۹۷). معانی و بیان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جلالی‌پندری، یدالله. (۱۳۹۸). مهدی اخوان ثالث؛ نقد و بررسی شعر معاصر؛ تقریرات درس اخوان ثالث در دانشگاه تهران به همراه چند مقاله‌ی انتقادی، به کوشش یدالله جلالی‌پندری، تهران: مروارید.
- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۷۳). نقد آثار احمد شاملو. تهران: آروین.
- زرقانی، مهدی. (۱۳۹۴). چشم‌انداز شعر معاصر ایران؛ جریان‌شناسی شعر ایران در قرن بیستم. تهران: ثالث.
- سپهری، سهراب. (۱۳۸۹). هشت کتاب سهراب سپهری. تهران: راستین.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین. (۱۳۷۲). بوستان سعدی. به تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- شاملو، احمد. (۱۳۹۱). مجموعه آثار. تهران: نگاه.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- _____ (۱۳۹۰). با چراغ و آینه در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر. تهران: سخن.

_____ (۱۳۹۱). رستاخیز کلمات: درس گفتارهایی درباره‌ی نظریه‌ی

ادبی صورت‌گرایان روس. تهران: سخن.

شمس لنگرودی، محمد. (۱۳۷۰). تاریخ تحلیلی شعر نو. ج ۴، تهران: مرکز.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). بیان و معانی. تهران: فردوس.

علوی مقدم، محمد؛ اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۹۸). معانی و بیان. تهران: سمت.

مختاری، محمد. (۱۳۷۸). انسان در شعر معاصر. تهران: توس.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۸). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: هما.

یوشیج، نیما. (۱۳۳۴). مجموعه آثار نیما یوشیج. تهران: صفی‌علیشاه.